



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم تربیتی

عنوان:

تحلیل محتوای کتب عمومی دوره پیش دانشگاهی در ارتباط با میزان توجه
آنان به مبانی صلح

پژوهشگر:

هیوا فتحیان

استاد راهنما:

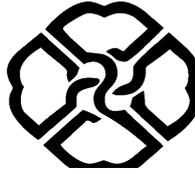
دکتر کیوان بلندهمتان

استاد مشاور:

دکتر نعمت الله عزیزی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی آموزشی

دی ماه ۱۳۸۸



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی آموزشی

عنوان:

تحلیل محتوای کتب عمومی دوره پیش دانشگاهی در ارتباط با میزان توجه
آنان به مبانی صلح

پژوهشگر:

هیوا فتحیان

در تاریخ..... پایان نامه مربوطه توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر با نمره.....مورد
بررسی و تصویب نهایی قرار گرفت.

<u>اساتید</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>با مرتبه علمی</u>	<u>امضاء</u>
۱. راهنما	دکتر کیوان بلند همتان	استاد یار	
۲. مشاور	دکتر نعمت اله عزیزی	دانشیار	
۳. داور خارجی	دکتر سلحشوری	استاد یار	
۴. داور داخلی	دکتر مصطفی قادری	استاد یار	

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

مهر و امضاء گروه
دانشکده

تقدیر و تشکر

از اساتید فرهیخته و بزرگوار جناب آقای دکتر کیوان بلندهمتان (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر نعمت اله عزیزی (استاد مشاور) که در تمام مراحل انجام پژوهش با عنایت کامل و سعه صدر با راهنمایی‌های ارزنده‌شان صمیمانه مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین از همسر مهربانم که زحمت تایپ این پژوهش بر دوش ایشان بود، تقدیر و تشکر می‌کنم.

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تقدیم بہ:

بہ پیامبر صلح و آشتی حضرت ختمی مرتبت ﷺ

پدر و مادر عزیزم

بہ ہمہ رھروان راہ حق

بہ پیامبر مبارزہ باخشونت مومند اس کر محاند گاندی

چکیده

صلح یک آرزوی تاریخی بشر بوده است. اما به معنای واقعی کلمه و به معنای امروزی کمتر به آن پرداخته شده است. بیشتر مصلحان، حکیمان و پیامبران به دنبال تحقق اموری مانند عدالت، برادری و برابری بودند که صلح می توانست نتیجه آنها باشد. توجه به مقوله صلح، به معنای متداول امروزی آن، معلول جنگهای خانمان سوز سده های اخیر بوده است. وقتی از صلح بحث می شود عموماً نبود جنگ و بودن آرامش نسبی در جامعه به ذهن متبادر می شود. جامعه ای که نه درگیری و جنگ داخلی دارد و نه خارجی. اما معنی و مفهوم صلح بسی فراتر از این است. وجود آرامش نسبی نمی تواند دلیلی بر وجود صلح در یک جامعه باشد اگر کسی صلح را تنها نبودن جنگ تعریف کند او قائل به «صلح انفعالی» است، که بسیار شکننده و سست است. تحقق صلح واقعی یا به تعبیر کانت «صلح پایدار» بستگی تام به تحقق زیر بناهای اساسی تر مثل عدالت و آزادی دارد. جهان امروز ما محصول تربیتی است که ما در گذشته دیده ایم. آینده هم بستگی به تربیتی دارد که الان فرزندان ما می بینند. بزرگترین جنگها همیشه در اذهان کوچک شکل گرفته و می گیرند. بر این اساس برای مبارزه با جنگ هایی که در اذهان شکل خواهد گرفت باز باید از همان طریق استفاده کرد. تربیت زیر بنای تمام امور از جمله سیاست، اخلاق، اقتصاد و... است. با توسل به تربیت می توان ساختارهای خشونت زا و تعارض آفرین را اصلاح و بازسازی کرد، نسلی صلح طلب و خیر خواه را به جامعه عرضه کرد.

محتوای کتب مدارس از منابع مهم تربیتی به شمار می رود که تأثیر بسزایی در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد. بدیهی است محتوای هر چه پر بارتر کتب می تواند کمک شایانی به ایجاد جامعه ای سالم، پویا و مملو از صلح، جنگ و ستیز بنماید و بالعکس.

آنچه درباره محتوای کتب عمومی دوره پیش دانشگاهی در ارتباط با میزان توجه به مؤلفه های صلح می توان گفت این است که این کتابها توجه چندانی به مؤلفه های صلح نداشته اند.

واژگان کلیدی: صلح فعال، صلح منفی، عدالت، آزادی، تساهل، اسلام، ایمان، کفر، جهاد، تربیت

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

	فصل اوّل:
۲	۱-۱- مقدمه.....
۴	۲-۱- بیان مسئله.....
۷	۳-۱- اهمیت تحقیق.....
۸	۴-۱- اهداف پژوهش.....
۸	۵-۱- سوالات پژوهش.....
	فصل دوّم: مروری بر منابع، پیشینه و ادبیات.....
۱۰	۱-۲- صلح.....
۱۲	صلح از منظر فلسفی.....
۱۲	۲-۱-۱-۲- صلح منفی.....
۱۷	۲-۱-۱-۲- صلح مثبت.....
۱۷	۲-۱-۲- مبانی ارزشی صلح.....
۱۷	۲-۱-۲-۱-۲- مبانی سیاسی.....
۱۸	۲-۱-۲-۱-۲- عدالت.....
۳۰	۲-۱-۲-۱-۲- آزادی.....
۳۸	۲-۱-۲-۱-۲- مبانی اخلاقی.....
۴۶	۲-۱-۲- صلح از منظر دینی.....
۴۷	۲-۱-۲- دیدگاه سید قطب.....
۴۸	۲-۱-۲-۳- پیش فرضهای نظری درباره صلح در اسلام.....
۵۱	۲-۱-۲-۳- ایمان و رابطه آن با صلح.....
۶۰	۲-۲- صلح و تربیت.....
۶۰	۲-۲-۱- تعریف تربیت.....
۶۱	۲-۲-۲- تربیت برای صلح.....
۶۴	۲-۳- پیشینه پژوهش.....

	فصل سوم: روش تحقیق.....
۷۳۱-۳- مقدمه.....
۷۴۲-۳- واحد تحلیل.....
۷۴۳-۳- روش جمع آوری داده‌ها.....
۷۴۴-۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
۷۵۵-۳- روایی محتوایی.....
	فصل چهارم: بحث و نتایج.....
۷۷۱-۴- معارف اسلامی (دین و زندگی).....
۸۵۲-۴- زبان و ادبیات فارسی عمومی ۲ و ۱.....
۹۰۳-۴- زبان پیش دانشگاهی ۲ و ۱.....
	فصل پنجم:.....
۹۴۱-۵- نتایج تحقیق.....
۹۹۲-۵- موانع و مشکلات پژوهش.....
۹۹۳-۵- پیشنهادات.....
۱۰۰منابع.....

فهرست جداول

صفحه	جدول
۸۵	۱-۴ میزان توجه به مبانی اخلاقی و سیاسی صلح در کتاب معارف اسلامی
۹۰	۲-۴ میزان توجه به مبانی اخلاقی و سیاسی صلح در کتاب فارسی عمومی
۹۲	۳-۴ میزان توجه به مبانی اخلاقی و سیاسی صلح در کتاب زبان پیش دانشگاهی
۹۶	۱-۵ میزان توجه به مبانی اخلاقی و سیاسی صلح در کتاب معارف اسلامی
۹۸	۲-۵ میزان توجه به مبانی اخلاقی و سیاسی صلح در کتاب زبان و ادبیات فارسی عمومی
۹۹	۳-۵ میزان توجه به مبانی اخلاقی و سیاسی صلح در کتاب زبان پیش دانشگاهی

فصل اول

کلیات

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

صلح یک آرزوی تاریخی بشر بوده است. اما به معنای واقعی کلمه و به معنای امروزی کمتر به آن پرداخته شده است. بیشتر مصلحان، حکیمان و پیامبران به دنبال تحقق اموری مانند عدالت، برادری و برابری بودند که صلح می تواند نتیجه آنها باشد. توجه به مقوله صلح، به معنای متداول امروزی آن، معلول جنگهای خانمان سوز سده های اخیر بوده است. به بیان دیگر، اگرچه بشر همیشه به دنبال صلح و آرامش و رفاه بوده است، اما ویرانی ها و اتلاف منابع عظیم مادی و معنوی در دو جنگ اول و دوم جهانی اندیشمندان را وادار به کندوکاو در ریشه جنگ ها و خشکاندن ریشه آن و توجه به رقیب پنهان آن یعنی صلح کرد.

جهان امروز ما محصول تربیتی است که ما در گذشته دیده ایم. آینده هم بستگی به تربیتی دارد که الان فرزندان ما می بینند. بزرگترین جنگها همیشه در اذهان کوچک شکل گرفته و می گیرند. بر این اساس برای مبارزه با جنگ هایی که در اذهان شکل خواهد گرفت باز باید از همان طریق استفاده کرد. تربیت زیر بنای تمام امور از جمله سیاست، اخلاق، اقتصاد و... است. با توسل به تربیت می توان ساختارهای خشونت زا و تعارض آفرین را اصلاح و بازسازی کرد، نسلی صلح طلب و خیر خواه را به جامعه عرضه کرد. تنها از همین طریق است که می توان نسلی را تربیت کرد که به جای تحمیل رنج بر دیگران، رنج

دیگران را بر خود تحمیل کنند، به جای تنفraz دیگران به دیگران عشق بورزند، به جای اینکه خودخواه باشند خیرخواه دیگران باشند. البته تحقق چنین امری آسان نخواهد بود. به انسانهای آزاد و بلند همت با اراده ای آهنین نیاز دارد. آموزش مهارتهای صلح به کودکان در مدارس گرچه بسیار لازم و مفید است اما کافی نیست. نیاز اصلی صلح طلبی به پشتوانه های عمیق فکری است و نه مهارتهای جزئی و محدود. ستم ستیزی و در افتادن با گردنکشان، خواستار بسط عدالت بودن، البته نیکوست. اما وقتی که این انگیزه ها و این گرایشها و این مبارزه ها، مسبوق به پشتوانه های فکری عمیق باشد، صد چندان عمیق تر و ماندگارتر خواهد بود (سروش، ۱۳۷۹، ص ۲۰۳).

از این رو و با توجه به همه آنچه که گفته شد، چنان می نمایم که دست کم در جهان امروز، اساسی ترین اهداف تربیت باید تحقق صلح باشد. یعنی تربیت باید اهدافی را مد نظر قرار دهد که نتیجه آن تحقق صلح باشد. نه اینکه یک سری مهارت و تکنیک به کودکان آموزش دهد که کاربرد بسیار محدودی دارد.

وقتی از صلح بحث می شود عموماً نبود جنگ و بودن آرامش نسبی در جامعه به ذهن متبادر می شود. جامعه ای که نه درگیری و جنگ داخلی دارد و نه خارجی. اما معنی و مفهوم صلح بسی فراتر از این است. وجود آرامش نسبی نمی تواند دلیلی بر وجود صلح در یک جامعه باشد. ممکن است همین آرامش با توسل به زور و منشی دیکتاتور مآبانه پدید آمده باشد. چنین جامعه ای مانند دیگری، آرام در حال جوشیدن است و هر آن امید طغیان می رود. در برابر چنین جامعه ای، جامعه ای دیگر وجود دارد که بدون توسل به اجبار و زور در آرامش و رفاه نسبی به سر می برد. در هر دو جامعه صلح وجود دارد، اما معنا و مفهوم آن بسی متفاوت است. صلح واقعی تنها نبودن جنگ نیست. اگر کسی صلح را تنها نبودن جنگ تعریف کند او قائل به «صلح انفعالی» است، که بسیار شکننده و سست است. تحقق صلح واقعی یا به تعبیر کانت «صلح پایدار» بستگی تام به تحقق زیر بناهای اساسی تر مثل عدالت و آزادی دارد. با تحقق این آرزوهای دیرین بشر در یک جامعه، می توان از وجود صلح در آن خبر داد. تا زمانی که در جامعه ای ظلم و تبعیض وجود دارد، هر چند جنگی و خشونت فیزیکی هم در کار نباشد، تنها می توان از نبود جنگ سخن گفت نه از بودن صلح.

در گفتمان اسلامی تا دوران معاصر به خاطر دلایلی که گفته شد صلح انفعالی دیدگاه مسلط بوده است. اندیشمندان نیز چون مردم عادی تنها به امنیت و نبودن جنگ قناعت کرده اند. گویا اندیشمندی مانند ابن تیمیه از این عقیده رایج زمان خود دفاع کرده است که: «حتی اگر کسی از سلاطین بیدادگر حاکم شود، بهتر از آن است که هیچ کس حاکم نباشد. شصت سال با حاکم ظالم به سر بردن بهتر است تا یک شب بدون حاکم» (زیبا کلام، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵).

۱-۲- بیان مسئله

صلح در طول تاریخ یکی از آرزوهای بشر بوده است و چه انسانهایی که مخلصانه جانشان را در راه تحقق آن از دست دادند. تحقق صلح و همزیستی در جامعه زمینه پیشرفت و تعالی جامعه را فراهم کرده است. تاریخ نشان داده است که شکوفایی اقتصادی، سیاسی در کشورهایی که در صلح به سر برده اند بسیار قابل ملاحظه بوده است. تنش، عدم تعادل و جنگ تمام دستاوردهای انسانی را نابود می کند و تخم کینه و دشمنی را در دلها می کارد. در شرایطی که فاصله ی جنگ ها در جهان کوتاه و خشونت ناشی از آن طولانی مدت است، انسان ناگزیر صلح را به فراموشی می سپارد.

با مروری اجمالی بر تاریخ بشر در می یابیم که تاریخ بشر مملو از جنگهای خانمان سوز بوده است که انگیزه های مختلفی داشته است؛ گاه با انگیزه های مادی، کشورگشایی، تصرف سرزمینی تازه و غارت اموال ملل مغلوب بوده است و گاه با انگیزه های مذهبی، گاه هردو.

آثار مخرب جنگها روز به روز بیشتر حیات انسانی را به پرتگاه نابودی سوق می دهد. فضای حاکم بر جهان با گسترش سازمان هایی مانند ناتو روز به روز نظامی تر می شود، کشورهای جهان هزینه های نظامی خود را افزایش می دهند، هزینه های که در ظاهر برای حفظ امنیت جان انسانها صرف می شود، اما به اسلحه ای بس خطرناک علیه خود او تبدیل شده است. گرچه باصرف هزینه اندکی از این منابع عظیم مالی برای اقدامات اولیه بهداشتی، هزینه های آموزشی و دیگر هزینه های رفاهی مورد نیاز بشر، بهتر و راحت تر می توان جان او را نجات داد. گویی پیش بینی ملائک از خلقت انسان تحقق پیدا کرده است ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قُلْ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره ۳۰).

براساس گزارش انیستیتیوی تحقیقات صلح سوئد(سپری، ۲۰۰۸)^۱ هزینه های نظامی جهان در سال ۲۰۰۶ با حدود ۱۳۳۹ میلیارد دلار به سطح بی سابقه ای پس از جنگ سرد رسیده است. برپایه این گزارش حدود نیمی از هزینه مذکور توسط ایالات متحده امریکا (۵۴۷ میلیارد) صرف شده و پس از آن بریتانیا (۵۹ میلیارد) و فرانسه (۵۳ میلیارد) در مقام دوم و سوم قرار دارند. این در حالی است که براساس گزارش سازمان خواروبار ملل متحد جمعیت گرسنگان جهان به ۹۶۳ میلیون رسیده است، که در قیاس با سال ۲۰۰۷ حدود ۴۰ میلیون نفر به این جمعیت افزوده شده است(فائو، ۲۰۰۸)^۲.

شماری اندک، بسته به چگونگی محاسبه ما می دانند که از زمان تحقق صلح در سال ۱۹۴۵ به این سو، بین ۱۵۰ تا ۱۶۰ جنگ و برخورد داخلی سرتاسر جهان را به ویرانی کشانده است. یا اینکه حدود ۷ میلیون و دویست هزار سرباز در جریان این جنگها به قتل رسیده اند. این رقم فقط شامل کشته شده گان است و

¹. Sipri

². Fao

زخمی ها و شکنجه دیدگان یا معلولین را شامل نمی شود و شمار عظیم تر غیر نظامیانی را که قربانی شدند و یا کسانی را که در اثر عواقب بعدی جنگ نابود شدند، در بر نمی گیرد.

طنز تلخ قضیه در آن است که شمار سربازانی که در سرتاسر جنگ جهانی اول کشته شدند، فقط کمی بیشتر بود - یعنی حدود ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر. واقعا حیرت آور است: یعنی آن که از نظر شمار کشته شدگان رزمنده، حتی با در نظر گرفتن حاشیه ای وسیع برای خطا، جهان از سال ۱۹۴۵ به این سو، جهان مجدداً در جنگی معادل تمامی جنگ جهانی اول درگیر شده است.

با اضافه کردن کشته شدگان غیر نظامی، این جمع به رقم نجومی ۳۳ تا ۴۰ میلیون نفر می رسد، البته بدون محاسبه زخمی شدگان، زنان تجاوز شده، آواره گان، بیماران یا کسانی که در اثر جنگ دارای خود را از دست داده اند (تافلر و تافلر، ۱۳۷۲، صص ۱۴-۱۳).

از طرف دیگر ادیان الهی که برای نجات بشریت آمده اند، در طول تاریخ، با برداشتهای انحرافی پیروان آنها، منشا بسیاری از خشونت ها بوده و هستند. ظهور روز افزون گروه های تکفیری و تندرو در جوامع اسلامی که خود نیز زاده فقر و خشونت هستند، با برداشتهای انحرافی از دین، علاوه بر ارائه یک چهره زشت منظر از دین زمینه های لازم را برای نا امن کردن این مناطق و بروز انواع خشونت ها و فروش تولیدات کارخانه های اسلحه سازی یا به قول ماندلا (۱۳۸۷) «کارخانه های مرگ» را فراهم کرده اند، هر روزه هزاران نفر بر اثر این درگیری ها کشته و مجروح می شوند و یا به کشورهای همسایه به عنوان پناهنده، آواره می شوند. ادامه روند فعلی با هزینه های سرسام آور نظامی در کنار مرگ روزانه حدود ۱۷ هزار نفر (هر دقیقه ۱۱ نفر) بر اثر گرسنگی و تشدید شکاف طبقاتی بشریت را به ورطه نابودی خواهد کشاند (فائو، ۲۰۰۸).^۱ ناگفته پیداست که بر اثر این جنگها زیرساختهای اقتصادی به شدت آسیب می بیند و هزینه های فراوانی برای بازسازی آن لازم است - آن هم اگر مجالی برای بازسازی باشد. هزینه های که می توانست صرف رفاه انسان شود صرف آواره کردن او شده است.

نقش آموزش به عنوان یکی از عوامل مهم ایجاد کننده جنگ ها و یا از بین برنده جنگ ها بندرت مورد توجه قرار گرفته است، می توان گفت توجه به نقش و اهمیت آموزش میسون فیلسوفان مارکسیست همچون پائولو فریره، آنتونیو گرامشی و ... است. این دسته از فیلسوفان مارکسیست از جبر اقتصادی اولیه مارکس فاصله گرفته و متوجه کارکرد سیاسی و فرهنگی آموزش شده بودند و آن را به عنوان یک عامل تثبیت کننده نابرابریها و حفظ شکاف طبقاتی در جامعه می دیدند. پائولو فریره معتقد است که نهادهای فرهنگی طبقه مسلط باورها و اسطوره هایی را به طبقه تحت سلطه تلقین می کند که بعدها در ساختار روانی آنها کاملاً تثبیت می شود (شارع پور، ۱۳۸۶، ص ۶۳). این فیلسوفان گرچه بیشتر متوجه کارکرد سیاسی مدرسه بودند، اما مدرسه کارکردهای دیگری نیز دارد که می توان از آنها در راه تحقق صلح و عدالت اجتماعی بهره گرفت و به جای اینکه با دیدی انفعالی به مسئله نگاه کنیم و بگوئیم «جنگ فاجعه

^۱. Fao

وحشتناکی است که غیر از گریستن کار دیگری برایش نمی توان کرد» (فالاچی، ۱۳۸۶، ص ۴۸) می توان با کندوکاو در ریشه های جنگ و بی عدالتی و با استمداد از مبانی دینی و فلسفی، نسلی صلح طلب تربیت کرد. حاصل این کندوکاو ها در محتوای کتب منعکس می شود. بنابراین محتوای کتب درسی از نظر رفتاری تقریباً چیزی است که ما انتظار داریم در رفتار فراگیران تجلی یابد، اهمیت محتوای کتب از همین بعد مهم ناشی می شود.

آموزش مهارت های شناختی و روانی در زندگی به منظور کاهش و یا مدیریت خشونت ها در روابط فردی گرچه لازم، اما کافی نیست. بنابراین اگر چه شاگردان باید بیاموزند و تمرین کنند که حقوق اساسی را در باره خود و دیگران رعایت کنند، براساس مبانی اخلاقی عمل کنند، درگیرها را عاقلانه حل و فصل کنند، از راه تعلیم و تربیت آمادگی بر عهده گرفتن مسئولیت های مردم سالارانه و عمل سیاسی را پیدا کنند، آزاد زیستن و تفاهم با دیگران و توجه به دیگران را یاد بگیرند و در این زمینه تربیت شوند. با این حال به صرف آموزش این مهارت ها نمی توان به تحقق صلح امیدوار بود. با فراهم شدن شرایط صلح، آموزش باید سر و قلب و دست کودک را هدف قرار دهد. از دید گاندی (کینگ، ۱۳۸۵، ص ۳۱۸): «فقط آموزش زندگی محور است که کل شخصیت فرد یعنی بدن، ذهن و روح را که در دست، سر و قلب تجلی می یابد به تحرک وادارد و آن را ارتقا بخشد».

فرد لازم است به لحاظ فکری و دینی به اقناع قلبی برسد که صلح یک ارزش است. این اقناع می تواند با توجه به آگاهی از مبانی دینی و فلسفی و دستاوردهای عینی ای که صلح در جوامع مختلف به دنبال داشته است صورت پذیرد. از طرف دیگر تحقق صلح منوط به اصلاح و باسازی ساختار های خشونت زا مانند سیستم های نا عادلانه توزیع منابع و ثروتها، ساختارهای غیردمکراتیک و انحصار طلبانه حکومتها و تحقق یک سری مبانی اخلاقی - سیاسی است.

بنابراین نکته بس مهم آن است که برنامه های تربیتی به گونه ای تنظیم گردد که دانش آموزان را با ارزش صلح آشنا سازد. بدیهی است که مقدم بر هر برنامه ای، برنامه های دینی تربیتی می تواند این مهم را تحقق بخشد. پژوهش کنونی در صدد بررسی کتب عمومی دوره پیش دانشگاهی است تا دریابد چه اندازه این کتب، به مبانی دینی صلح و ضرورت های آن توجه کرده اند. همانگونه که گفته شد در تربیت برای صلح به آگاهی های اصیل و عمیق تری فراتر از آموزش مهارت های زندگی نیاز هست و بخش بسیار مهم این آگاهی های اصیل و عمیق را می باید در دین جستجو کرد؛ اما تا چه اندازه در دوره پیش دانشگاهی به این موضوع توجه شده است؟

۱-۳- اهمیت تحقیق

زیستن توأم با آرامش و امنیت خواسته هر انسانی است. در سایه همین امنیت و آرامش بیرونی است که آرامش درونی نیز تحقق می یابد. با وجود اینکه هزاران سال از عمر ایده های بشر دوستانه می گذرد، اما

بشریت رغبت چندانی به آن نشان نداده است. اینکه در جهان تنها سه هفته هیچ جنگی وجود نداشته است (قادری، ۱۳۸۷، ص ۵۰) مبین همین ادعاست. با وجود این دوست داران و خیرخواهان بشر هیچ گاه از تلاش برای ایجاد جامعه ای که در آن ارزشهای متعالی تجلی عینی یابند دست برنداشته اند. تلاش بشر برای رسیدن به چنین جامعه ای در حوزه های مختلفی همچون سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... بوده است. یکی از مهمترین این حوزه ها آموزش و پرورش است که می توان گفت سنگ زیرین تمام امور است. یکی از راه های اصلاح کثرتی ها و رفع کمبودها توجه به آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به عنوان راه حل مشکلات، بیشتر در سده های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بی عدالتی، تبعیض، خشونت و در هر عصری وجود داشته که برای از بین بردن آنها تلاشهای زیادی نظیر قیامها، جنگ ها و انقلاب های زیادی صورت گرفته است. کشور های مختلف امروزه برای از بین بردن این راه حل های خشونت بار قدیمی، به راه های نرم تری نظیر گسترش رفاه و عدالت اجتماعی، ترویج سواد آموزی، همگانی کردن آموزش و پرورش و... متوسل شده اند. توجه به آموزش برای از بردن و یا کاهش جنگ ها و گسترش صلح و عدالت در جهان نیز در همین راستا است. بسیاری از خشونت ها، بی عدالتی ها و تبعیض ها از طریق آموزش قابل حذف و یا کاهش است و باید با سلاح های فکری قوی به مبارزه با آنها برخاست. برنامه های صلح محور نیز به همین امید طراحی می شوند، به امید اینکه برجنگ پیروز شویم و نه در جنگ. تحقیقات در زمینه آموزش و گسترش صلح به مدد آن به ویژه در کشور ما عمر چندانی ندارند، بدیهی هر چه تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت بگیرد، برنامه های آموزشی صلح محور چه از نظر محتوایی و چه از نظر شکلی پر بارتر خواهند بود. بنابراین آنچه اهمیت پژوهش را نشان می دهد این است که طراحی برنامه های آموزشی صلح محور بدون دسترسی به یافته های تحقیقاتی که در زمینه صلح صورت گرفته است، اگر غیرممکن نباشد بسیار مشکل خواهد بود. پژوهش های از این دست مبانی، اصول، روش ها و محتوای لازم را به منظور طراحی برنامه های جامع صلح محور در اختیار برنامه ریزان کلان آموزشی قرار می دهند.

علاوه بر این در کشورهای اسلامی و عموماً عقب افتاده ترویج غلط مفاهیم مهمی چون ایمان، کفر، جهاد و... خشونت های فراوانی را به دنبال داشته که فقر آنها را بیش از پیش تشدید کرده است و فقر هم این مشکل را تشدید می کند. رواج اندیشه های افراطی با برداشت های غلط از مفاهیم اصیل دینی، منجر به رشد حملات انتحاری، بمب گذاری ها و انواع مختلف نا امنی شده است، به همین جهت در این پژوهش سعی شده است این مفاهیم به درستی تبیین شوند و آنها را در راه ایجاد و حفظ صلح به کار گیریم و نه در راه کشتن انسانی که خداوند کشتن عامدانه او را به کشتن یک جامعه تشبیه کرده است :

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده ۳۲). آنچه در پایان می توان گفت این است که خواهان صلح بودن البته نیکوست اگر این خواسته متکی به پشتوانه های عمیق فکری و دینی باشد نیکوتر. پشتوانه های عمیق فکری فراتر از اعتقاد صرف ذهنی است، این پشتوانه ها ایمان را به بشر ارزانی می دارند و به او در راهی که پیش گرفته اطمینان و قوت قلب می بخشند.

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف کلی:

مشخص ساختن میزان توجه به مقوله صلح در کتابهای عمومی دوره پیش دانشگاهی

اهداف جزئی:

- ۱- تعیین میزان توجه به مقوله صلح در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲
- ۲- تعیین میزان توجه به مقوله صلح در کتاب دین و زندگی ۱ و ۲
- ۳- تعیین میزان توجه به مقوله صلح در کتاب زبان انگلیسی ۱ و ۲

۱-۵ - سوالات پژوهش: سؤال کلی تحقیق آن است که تا چه اندازه در کتب عمومی دوره پیش

دانشگاهی به موضوع صلح توجه شده است؟ می توان این پرسش کلی را به سه پرسش زیر برگرداند:

- ۱- تا چه اندازه در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی به مقوله صلح توجه شده است؟
- ۲- تا چه اندازه در کتاب دین و زندگی ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی به مقوله صلح توجه شده است؟
- ۳- تا چه اندازه در کتاب زبان انگلیسی ۱ و ۲ دوره پیش دانشگاهی به مقوله صلح توجه شده است؟

^۱ . هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل ، یا فساد در زمین بکشد ، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است ، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد ، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است

فصل دوم

ادبیات و پیشینه تحقیق

فصل دوم

ادبیات و پیشینه تحقیق

۲-۱- صلح

درآمد

صلح یک آرزوی تاریخی بشر بوده است. اما به معنای واقعی کلمه و به معنای امروزی کمتر به آن پرداخته شده است. بیشتر مصلحان و حکیمان و پیامبران به دنبال تحقق اموری مانند عدالت، برادری و برابری بودند که صلح می تواند نتیجه آنها باشد. توجه به مقوله صلح، به معنای متداول امروزی آن، معلول جنگهای خانمان سوز سده های اخیر بوده است. به بیان دیگر اگرچه بشر همیشه به دنبال صلح و آرامش و رفاه بوده است، اما ویرانی ها و اتلاف منابع عظیم مادی و معنوی در دو جنگ اول و دوم جهانی اندیشمندان را وادار به کندوکاو در ریشه جنگ ها و خشکاندن ریشه های آن و توجه به رقیب پنهان آن یعنی صلح کرد.

جهان امروز ما محصول تربیتی است که ما در گذشته دیده ایم. آینده هم بستگی به تربیتی دارد که الان فرزندان ما می بینند. بزرگترین جنگها همیشه در اذهان کوچک شکل گرفته و می گیرند. بر این اساس برای مبارزه با جنگ هایی که در اذهان شکل خواهد گرفت باز باید از همان طریق استفاده کرد. تربیت زیر بنای تمام امور از جمله سیاست، اخلاق، اقتصاد و... است. با توسل به تربیت می توان ساختارهای خسونت زا و تعارض آفرین را اصلاح و بازسازی کرد، نسلی صلح طلب و خیر خواه را به جامعه عرضه

کرد. تنها از همین طریق است که می توان نسلی را تربیت کرد که به جای تحمیل رنج بر دیگران، رنج دیگران را بر خود تحمیل کنند، به جای تنفراز دیگران به دیگران عشق بورزند، به جای اینکه خودخواه باشند خیرخواه دیگران باشند. البته تحقق چنین امری آسان نخواهد بود. به انسانهای آزاد و بلند همت با اراده ای آهنین نیاز دارد. آموزش مهارتهای صلح به کودکان در مدارس گرچه بسیار لازم و مفید است اما کافی نیست. نیاز اصلی صلح طلبی به پشتوانه های عمیق فکری است و نه مهارتهای جزئی و محدود. ستم ستیزی و در افتادن با گردنکشان، خواستار بسط عدالت بودن، البته نیکوست. اما وقتی که این انگیزه ها و این گرایشها و این مبارزه ها، مسبوق به پشتوانه های فکری عمیق باشد، صد چندان عمیق تر و ماندگار تر خواهد بود (سروش، ۱۳۷۹، ص ۲۰۳).

از این رو با توجه به همه آنچه که گفته شد، چنان می نماید که دست کم در جهان امروز یکی از اساسی ترین اهداف تربیت باید تحقق صلح باشد. یعنی تربیت باید اهدافی را مدنظر قرار دهد که نتیجه آن تحقق صلح باشد. نه اینکه یک سری مهارت و تکنیک به کودکان آموزش دهد که کاربرد بسیار محدودی دارد.

وقتی از صلح بحث می شود عموماً نبود جنگ و بودن آرامش نسبی در جامعه به ذهن متبادر می شود. جامعه ای که نه درگیری و جنگ داخلی دارد و نه خارجی. اما معنی و مفهوم صلح بسی فراتر از این است. وجود آرامش نسبی نمی تواند دلیلی بر وجود صلح در یک جامعه باشد. ممکن است همین آرامش با توسل به زور و منشی دیکتاتور مآبانه پدید آمده باشد. چنین جامعه ای مانند دیگری، آرام در حال جوشیدن است و هر آن امکان طغیانش می رود. در برابر چنین جامعه ای، جامعه ای دیگر وجود دارد که بدون توسل به اجبار و زور در آرامش و رفاه نسبی به سر می برد. در هر دو جامعه صلح وجود دارد، اما معنا و مفهوم آن بسی متفاوت است. صلح واقعی تنها نبودن جنگ نیست. اگر کسی صلح را تنها نبودن جنگ تعریف کند او قائل به «صلح منفی» است، که بسیار شکننده و سست است. تحقق صلح واقعی یا به تعبیر کانت «صلح پایدار» بستگی تام به تحقق زیر بناهای اساسی تر مانند عدالت و آزادی دارد. با تحقق این آرزوهای دیرین بشر در یک جامعه، می توان از وجود صلح در آن خبر داد. تا زمانی که در جامعه ای ظلم و تبعیض وجود دارد، هر چند جنگی و خشونت فیزیکی هم در کار نباشد، تنها می توان از نبود جنگ سخن گفت نه از بودن صلح.

در گفتمان اسلامی تا دوران معاصر به خاطر دلایلی که گفته شد صلح انفعالی دیدگاه مسلط بوده است. اندیشمندان نیز چون مردم عادی تنها به امنیت و نبودن جنگ قناعت کرده اند. گویا اندیشمندی مانند ابن تیمیه از این عقیده رایج زمان خود دفاع کرده است: «حتی اگر کسی از سلاطین بیدادگر حاکم شود، بهتر از آن است که هیچ کس حاکم نباشد. شصت سال با حاکم ظالم به سر بردن بهتر است تا یک شب بدون حاکم» (زیبا کلام، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵).

صلح از منظر فلسفی